

بررسی نقش تعدیلی زنان در هیئت مدیره بر ارتباط بین گرایش‌های کارآفرینانه شرکت‌ها و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید داود حسینی راد^۱، مصطفی قاسمی^{۲*}، دکتر عبدالرضا محسنی^۳

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

da.d.hosseiniad@iaubushehr.ac.ir

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

m.ghasemi@iaubushehr.ac.ir

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

Rmohseni@iaubushehr.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۹۹/۱۱/۲۱]

تاریخ دریافت: [۹۹/۷/۱۵]

چکیده

در کشورهای در حال توسعه، زنان برای ارتقای خانواده و رشد و توسعه کشورهای خود نقش مهمی ایفا می‌کنند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع، نه تنها باعث سودهای اقتصادی می‌شود؛ بلکه، منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، «تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد» است. پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان در هیات مدیره بر ارتباط بین گرایش‌های کارآفرینانه شرکت‌ها و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ جمع‌آوری و به روش معادلات ساختاری (PLS) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که زنان نقش تعدیلی بین معیارهای گرایش کارآفرینانه و شاخص‌های عملکرد شرکت دارند. بدین معنا که نقش زنان در هیات مدیره باعث بهبود ارتباط بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد مالی شرکت‌ها خواهد شد.

واژگان کلیدی: گرایش کارآفرینانه، عملکرد مالی، زنان در هیات مدیره، بازده حقوق صاحبان سهام.

۱- مقدمه

تفکر نوآورانه با مفهوم تنوع که در سال‌های اخیر اهمیت پیدا کرده است، روبرو است. این تمایز به تنوع فرهنگی در یک سازمان اشاره دارد و به‌عنوان دروازه‌ای برای ابتکار عمل دیده می‌شود. محیط‌هایی که افراد می‌توانند آزادانه خود را نشان داده و در شکل‌گیری ایده‌های نوآورانه نقشی اساسی داشته باشند. زیرا، نوآوری ریشه در مشارکت افراد انعطاف‌پذیر همراه با ذهن باز دارد (Carter, Simkins & Simpson, 2003). همچنین، تنوع به‌عنوان فرصتی برای زنان مدیر به اندازه مدیران مردان و دادن حق به آنها به اندازه مردان در ارتقاء حرفه‌ای در سازمان تعریف شده است. به‌عنوان نمونه، کانینگ، کیم و هندرسون^۱ (۲۰۰۲) این گونه اظهار می‌کند که شرکت‌هایی که مدیران زن بیشتری استخدام می‌کنند، سهم بیشتری از بازار، سرمایه بیشتر و ارزش سهام بیشتری نسبت به بقیه دارند. علاوه بر این، مشخص شده است که شرکت‌هایی که بهترین فرصت‌های ارتقا را به مدیران زن ارائه می‌دهند، سودآوری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که فرصت‌های ارتقاء کمتری دارند.

با توجه به پیچیدگی مسأله‌ی مدیریت زنان، تا کنون بررسی‌های گوناگونی در زمینه‌ی مدیریت و جنسیت انجام شده است و صاحب‌نظران تلاش کرده‌اند تا این مقوله را از جنبه‌های مدیریتی، فرهنگی، سازمانی و مانند اینها تجزیه و تحلیل کنند؛ تا جایی که امروزه یکی از مهمترین علل اثربخشی هیأت مدیره‌ها را باید در ترکیب آنان و ویژگیهای متناسب به آن، شامل اندازه، استقلال اعضا، تعداد عضویت اعضا در سایر تیم‌ها، ساختار جنسیتی ترکیب هیأت مدیره، متوسط سنی ترکیب و مواردی از این قبیل جستجو کرد. زنان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشند که شرکت‌ها می‌توانند در به کارگیری منابع و سرمایه‌ی انسانی برای کسب و کار از آن استفاده کنند. مطالعات انجام شده نشان داند که شرکت‌هایی که در ترکیب جنسیتی هیأت مدیره‌ی آنها متنوع است، عملکرد بهتری داشته‌اند (Ganginis, 2008).

زنان در کشورهای رو به توسعه، برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه‌ی کشورهای خود نقش مهمی دارند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود؛ بلکه، منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نمایند. زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد کارآفرینی می‌شوند. چون کارآفرینی را می‌توان راهی برای برون‌رفت از بیکاری معمول دانست (Brown & Hillegiest, 2007).

موفقیت زنان کارآفرین در جوامع، نه تنها باعث سودهای اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، «تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد» است. این درحالی است که در کشور ما پژوهشگران به اشتباه، این مفهوم صرفاً با «اشتغال‌زایی» مترادف شده و فقط برای حل مشکل اشتغال، به سمت کارآفرینی پیش رفته‌اند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزش‌ها و گرایش‌های جوامع و تغییرات جمعیت‌شناختی، موجی از کسب و کارهای کوچک در میان افراد خود اشتغال به وجود آمد. همچنین، مطالعات در ایران نشان می‌دهد بیشترین میزان اشتغال جدید در اقتصاد ایران به شکل کارکنان مستقل (خویش‌فرما) بوده است. اما، متأسفانه به دلیل عدم حمایت از این کارآفرینان و سوق ندادن آنها در مسیر رشد و توسعه، بزرگ‌ترین چالش اقتصاد ایران، بحران بیکاری است. در حالی که، اگر حمایتی جدی از کارآفرینان صورت می‌گرفت، در این صورت، بزرگ‌ترین مشکل اقتصادی ایران، کمبود نیروی کار متخصص نبود. یکی از مسائلی که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان است. بنابراین، یک مسئله امکان طرح و بررسی دارد و آن این سوال است که چرا نرخ کارآفرینی بین زنان کمتر است؟ این سوال از این رو اهمیت دارد که به‌واسطه‌ی تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی، زنان آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. هرگونه افزایش در نرخ کارآفرینی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب‌گیری توسعه‌ی کارآفرینی منجر گردد. در فرهنگ‌هایی که خانه‌داری و مادری به‌عنوان تنها گزینه‌های بهنجار برای زنان تعریف شده باشد، انتظار می‌رود که نرخ

کارآفرینی زنان نیز کاهش پیدا کند (Gilbert, Hallett & Eldridge, 1994). با توجه به مطالب فوق، مسئله پژوهش حاضر این است که چگونه زنان می‌توانند با گرایش‌های کارآفرینانه بر عملکرد تأثیرگذار باشند؟ بنابراین، این موضوع را باید مد نظر داشت که موانع و چالش‌هایی که بر سر راه این موضوع است را چگونه می‌توان برطرف نمود.

ضرورت کارآفرینی زنان را باید با افزایش و گسترش فرصت‌های شغلی بر مبنای اخلاقی که بار فرهنگی ارزشی آن قابل کنترل است، پاسخ مثبت داد و از آنجا که زنان دارای طبع لطیف و مادرانه‌ای هستند باید شغلی را انتخاب نمایند که برای آن از هر حیث آمادگی داشته باشند. بنابراین، مفهوم کارآفرینی زنان باید متناسب با هدف خود مفهوم‌سازی شود. توجه به این نکته ضروری است که دیدگاه آکادمیک زنان و به‌ویژه زنان کارآفرین از ویژگی‌های زنانه عاری است. زنان در جمعیت جهان جایگاه مهمی دارند. در دنیایی که فرهنگ تجارت مردانه غالب است، تعداد زنان کارآفرین به سرعت در حال افزایش است. کمک‌های دولتی، خانوارها را به ساختاری سوق داده است که از خانواده ابتدایی دور می‌شود و زنان را به سمت آزادی اقتصادی سوق می‌دهد (Minniti & Naudé, 2010). تصور زن از خانه‌دار بودن جای او را به این فکر واگذار کرد که فردی موفق در زندگی تجاری باشد. امروزه، از این رویکرد، در چارچوب مفهوم برابری، ایده آزادی زنان در زندگی تجاری سهم مثبتی دارد (Ming, Ahmad & Ismail, 2007). باتوجه به مطالب فوق، می‌توان این‌گونه عنوان کرد باتوجه به نقش فعال زنان و حساسیت آنان در امر مدیریت شرکت‌ها در بورس اوراق بهادر تهران آیا شرکت‌هایی که مدیران و هیئت‌مدیره آن را زنان تشکیل می‌دهد، این نوع شرکت‌ها نوآورانه‌تر هستند یا خیر؟ و در واقع باتوجه به نقش مدیران زن در هیئت‌مدیره آیا تفاوتی با شرکت‌های دیگر وجود دارد؟ باتوجه به نتایج پژوهش می‌توان این موضوع را بررسی کرد که نقش‌آفرینی زنان در رونق و پیشی گرفتن شرکت‌ها در بازار رقابتی در این‌گونه شرکت‌ها محسوس است یا خیر؟ ساختار مقاله حاضر به این شرح است که در ادامه مبانی نظری و پیشینه پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از آن بیان می‌شود. پس از آن، روش پژوهش، یافته‌ها و نتایج آزمون فرضیه‌ها مطرح و سپس باتوجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، نتیجه‌گیری انجام می‌شود. سرانجام، پیشنهادها و محدودیت‌ها ذکر خواهد شد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

کارآفرینی فرآیند ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن آنها بدون توجه به منابعی است که در حال حاضر وجود دارد. به عبارت دیگر، کارآفرینی عبارت است از فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی با انگیزه کسب سود مالی، توفیق‌طلبی، رضایت شخصی و استقلال است. ضرورت کارآفرینی به منزله راهی برای تحقق توسعه و رفع بیکاری، زنان را با افزایش و گسترش فرصت‌های شغلی بر مبنای اخلاقی که بار فرهنگی - ارزشی بر آن استوار است، رو به رو ساخته است (عبدی جمایران، حسینی و روایی، ۱۳۹۶). اگرچه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان همواره با موانع و مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه بوده است. اما، می‌توان با استفاده از ظرفیت‌ها و آموزش‌هایی که همراه با کسب مهارت باشد، آنها را به سمت فعالیت‌های اثربخش و مفید رهنمود ساخت (Aghion, Bloom, Blundell, Griffith & Howitt, 2005).

کارآفرینی فرآیند خلق ابتکارها و نوآوری‌ها، ایجاد کسب و کارهای جدید از راه کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع است. در این میان، کارآفرین کسی است که با کشف شناخت فرصت‌های محیطی و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها بتواند در شرایط پر ابهام و ریسک‌آمیز به ابتکارات و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کار توسعه کارآفرینی جدید اقدام کند (کردتبار و رسایان، ۱۳۸۹).

گسترش کارآفرینی زنان، می‌تواند گامی به سوی ایجاد عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. دولت‌ها باید بتوانند ضمن بسترسازی مناسب و ایجاد محیط مناسب برای رشد و شکوفایی استعداد‌های انسانی از استعدادهای زنان بهره‌جسته و آن را اثربخش کنند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود؛ بلکه، منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نمایند. زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کمبود دستمزد می‌توانند وارد کارآفرینی شوند. چون

کارآفرینی راهی برای توسعه اشتغال و همچنین تحقق اهداف توسعه پایدار است. اما باورها، ارزشها و سنت‌های حاکم بر قابلیت‌های جنسیتی زنان از موانع اصلی کارآفرینی زنان است. از راهکارهای موثر در توسعه کارآفرینی زنان توسعه مهارت‌های فنی، گذراندن دوره‌های آموزشی، و خلاقیت است (Minitti & Naudé, 2010).

تنوع جنسیتی در هیئت مدیره، تجربیات، مهارت‌ها و توانایی‌های متنوع را به ارمغان می‌آورد و احتمالاً تأثیر مثبتی بر نقش آنها در کنترل و نظارت مدیریت دارد. در این راستا، مدیران زن، بینش و نظارت دقیق‌تری را ارائه می‌دهند، در هیئت مدیره‌ی شرکت‌ها بیشتر فعالیت می‌کنند و بیشتر مایل به سؤالاتی هستند که توسط مدیران مرد پرسیده نمی‌شود. در نتیجه، حضور زنان در هیئت مدیره‌ی شرکت استقلال آن را افزایش می‌دهد و کارایی آن را بهبود می‌بخشد (Adams & Ferreira, Carter, Simkins & Simpson, 2003). بنابراین، اگر مدیران زن مدیریت کنترل و بهبود استقلال هیئت مدیره‌ی شرکت‌ها را افزایش دهند، حضور زنان در هیئت مدیره می‌تواند کیفیت، شفافیت و افشای اطلاعاتی شرکت را بهبود بخشد و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد (Abada, Encarnación, Minguez-Verab, Yagüe, 2017).

خوشبختانه پژوهش‌ها نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۰ تاکنون، دو تحول عمده در تجارت و اقتصاد بین‌المللی در حال وقوع است. تحول نخست، «افزایش چشم‌گیر و انفجارگونه شمار زنان کارآفرین» و تحول دوم، «رشد تجارت بین‌المللی» است. این دو تحول در کنار هم باعث ارتقای سطح اقتصادی زنان و در مجموع رشد چشمگیر اقتصادی بسیاری از کشورهای بزرگ خواهد شد و ابعاد این دگرگونی تاحدی وسیع است که صاحب‌نظران آن را آغاز عصر جدید تجاری در جهان می‌دانند. این تحول از آنجا است که زنان کارآفرین، تعهدی بسیار عمیق به جامعه محلی خود به‌ویژه در زمینه استخدام نیرو دارند و خود را در مرکز شرکت و کسب‌وکار می‌دانند. زنان کارآفرین نسبت به مردان، دیدگاه بلندمدت‌تری دارند، در نتیجه سوددهی کسب‌وکار آنها در سال‌های اولیه پایین، اما در سال‌های بعد بسیار چشم‌گیر است و این زنان شبکه گسترده‌تری از ارتباطات را برقرار می‌کنند؛ در نتیجه در هنگام بحران، گزینه‌های بیشتری برای غلبه بر مشکلات دارند. در این میان، نقش دوگانه زنان به‌عنوان «کارآفرین» و «محور خانواده» به این معنا است که آنها در مقایسه با مردان، وقت کمتری برای شرکت در دوره‌های آموزشی و حفظ رقابت‌پذیری خود در تجارت دارند و زنانی که در ابتدای کارآفرینی هستند، در مقایسه با مردان، توصیه‌ها و نصیحت‌ها را از دیگر زنان کارآفرین راحت‌تر می‌پذیرند (Adler & Chen, 2011). طی سال‌های اخیر رویکرد‌های نسبتاً جدیدی در ارتباط با به‌کارگیری زنان در مشاغل مهم و حتی حساس به وجود آمده است که می‌توان این اتفاق را در ایران در دولت نهم به بعد احساس نمود. استفاده از زنان در مقام وزارت و یا معاونت ریاست جمهوری و نیز استفاده از مدیر زن به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه در دولت از مصادیق این رویکرد نو می‌باشد. بکارگیری زنان نه تنها در مسائل اجتماعی و سیاسی، بلکه در امور اقتصادی نیز می‌تواند اثرات به‌سزایی داشته باشد. حضور زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌های تولیدی و خدماتی و همچنین، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس براساس پژوهش‌های پیشین موثر بوده است. حضور مدیر زن در رأس سازمان به‌عنوان مدیر عامل و یا به عنوان عضوی هیئت‌مدیره شرکت اثرات مثبتی می‌تواند بر بهبود عملکرد با نظارت بیشتر از طرف مدیر زن با توجه به ویژگی شخصیتی آنها و نیز کارآفرینی شرکت داشته باشد.

۲-۱- پژوهش‌های داخلی

گلرد (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که زنان کارآفرین با شبکه اولیه ارتباطی، رابطه قوی دارند و عوامل و شرایط محیطی کشور، شرایط مساعد و سوق دهنده‌ای برای توسعه کسب و کار زنان محسوب می‌شود و زنان ایرانی در توسعه کارآفرینی با موانع محیطی جدی روبرو هستند. در پژوهشی که به‌وسیله آراستی (۱۳۸۵) انجام شد، او به این نتیجه رسید که عامل تقویت‌کننده در زنان کارآفرین، نگرش موافق اطرافیان است. وی معتقد است لزوم تغییر و تحول در ساختارهای فرهنگی اجتماعی کشور در جهت تشویق زنان و دختران به کارآفرینی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. ممیز، قاسمی و قاسمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود در

بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان به این نتیجه رسیدند که وجود احراز نقش دوگانه زنان شاغل، آنان نسبت به فعالیت‌های خود احساس مثبتی دارند. بیابانی و گرگز (۱۳۹۳) در پژوهش خود به «بررسی رابطه بین حضور مدیران زن در هیئت مدیره با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. آنان در پژوهش خود از متغیر مدیران زن در هیئت مدیره استفاده کردند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که حضور مدیران زن در هیئت مدیره با بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معناداری دارد. سپهوند، شریعت‌نژاد و عارف‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان تأثیر فناوری اطلاعات بر سرمایه فکری و استراتژی مدیریت دانش با اثر تعدیلی به این نتیجه رسیدند که فن‌آوری اطلاعات تأثیر مثبت معناداری بر چابکی سازمانی، سرمایه فکری و استراتژی مدیریت دانش دارد. درودی و بابایی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تأثیر مثبت و معنادار برنامه‌ریزی استراتژیک رسمی، نوآوری و انعطاف‌پذیری بر عملکرد مالی دارد. همچنین، نتایج آزمون سوبل در بررسی نقش میانجی متغیرهای نوآوری و انعطاف‌پذیری نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی استراتژیک با میانجی‌گری انعطاف‌پذیری تأثیر معناداری بر عملکرد مالی دارد.

نتایج پژوهش فانیان (۱۳۹۶) نیز نشان داد که شرکت‌های مواد غذایی می‌توانند با تقویت نوآوری در کارکنان خود عملکرد مالی شرکت خود را بهبود بخشند. مصلی و محمدپور زنجانی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی تأثیر حضور هیئت مدیره و مدیر مالی خانم در سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنان از متغیر زن در هیئت مدیره استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که یا بین سودآوری شرکت و هیات مدیره زن ارتباط معناداری وجود ندارد و یا این رابطه منفی خواهد بود. جعفری‌نیا، نورعلی و رزم‌آرا (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر گرایش به کارآفرینی و قابلیت‌های پویا، بر عملکرد شرکت با نقش میانجی‌گری دوسوتوانی» به این نتیجه رسیدند که برای شروع دوسوتوانی، قابلیت‌های پویا و گرایش کارآفرینانه باید مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر، وقتی شرکت دارای قابلیت‌های پویا و انعطاف‌پذیری است، فرد اجازه دارد از قضاوت خود برای تقسیم چگونگی وقت بین فعالیت‌های بهره‌بردارانه و اکتشافی استفاده کند.

۲-۲- پژوهش‌های خارجی

تانسل و گونگر^۱ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر جنسیتی آموزش بر توسعه اقتصادی در ترکیه پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد تأثیر آموزش زنان بر سطح پایداری و بهره‌وری مثبت و معنادار بوده است. لچمان و کاور^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی در ۱۶۲ کشور منتخب پرداختند. در این تحقیق، کشورهای منتخب به چهار گروه کشورهای با درآمد پایین، کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین، کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و کشورهای با درآمد پایین، کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین، کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و کشورهای با درآمد بالا تقسیم‌بندی شدند. داده‌های استفاده شده در این تحقیق از طریق روش پانل تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی در ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. آیدین (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که مدیران زن بیشتری استخدام می‌کنند، سهم بیشتری از بازار، سرمایه بیشتر و ارزش سهام بیشتری نسبت به بقیه دارند. همچنین، شرکت‌هایی که بهترین فرصت‌های ارتقا را به مدیران زن ارائه می‌دهند، سودآوری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که فرصت‌های ارتقاء کمتری دارند.

1 Tansel & Gungor

2 Lechman & Kaur

تسانی، پاروسوس، فراجیاداکس و چارالامبیدیس^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد بین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی طی دوره رابطه‌ای مثبت معنادار وجود دارد.

هوانگ، لاوو و مک‌فی^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بنگاه‌هایی که از کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتری برخوردارند، به دلیل اطلاعات با کیفیت بالاتر، که از طریق شیوه‌هایی از قبیل بودجه مشارکتی، رویه‌های تخصیص هزینه، نقشه‌های استراتژی و سیستم‌های مدیریت دانش حاصل می‌شوند، بیشتر نوآوری می‌کنند. هم‌چنین، عدم تقارن اطلاعات داخلی را که باعث ایجاد عدم اطمینان می‌شود و مانع هماهنگی می‌شود را نیز کاهش می‌دهد.

اوزسانگر^۳ (۲۰۱۹) در پژوهش خود در مورد انگیزه کارآفرینی زنان به این نتیجه رسید که بین عوامل فشار و تعادل کشش و عوامل عاطفی، عوامل هیجانی و فشار عوامل عاطفی و تعادل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

گالبرید، لوسیانتی، توماس و تیش^۴ (۲۰۲۰) در پژوهش خود در بررسی رابطه بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد شرکت و نقش واسطه‌ای استراتژی رقابتی به این نتیجه رسیدند که گرایش کارآفرینانه شرکت با عملکرد شرکت در شرکت‌های نمونه رابطه مثبتی دارد. علاوه بر این، استراتژی رقابتی به‌عنوان یک تأثیر تعدیل‌کننده عمل می‌کند. یک استراتژی کم هزینه بر روابط تأثیر منفی می‌گذارد، در حالی که یک استراتژی تمایز مثبت بر روابط تأثیر می‌گذارد.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش را از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲).

۱-۳- هدف تحقیق

تعیین نقش تعدیلگر زنان کارآفرین در رابطه بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد مالی

۲-۳- سوال تحقیق

آیا زنان کارآفرین دارای نقش تعدیلگر بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد مالی هستند؟

۳-۳- فرضیه تحقیق

زنان کارآفرین دارای نقش تعدیلگر بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد مالی هستند.

۳-۴- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱-۴-۳- متغیرهای مستقل

گرایش کارآفرینانه (EO) از دو معیار اصلی تشکیل شده است که به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

تداوم فعالیت یا مشارکت فعال با نشان دادن درصد سود سالانه که در این شرکت سود انباشته است، که این سود انباشته شده را بر مجموع دارایی تقسیم می‌کند. ریسک‌پذیری، نشانگر ریسک غیر سیستماتیک است (بتا). (همان ریسکی ناشناخته شرکت). به‌عبارت‌دیگر، بخشی از ریسک که توسط صنعت غیرقابل‌شناسایی یا غیرقابل توضیح است.

1 Tsani, Paroussos, Fragiadakis & Charalambidis

2 Huang, Lao & McPhee

3 Ozsungur

4 Galbreath, Lucianetti, Thomas & Tisch.

۳-۴-۲- متغیرهای وابسته

در این پژوهش متغیرهای وابسته عملکرد مالی شرکت است که با سه معیار ROA و ROE و EPS محاسبه شده است که در ادامه نحوه محاسبه آن‌ها توضیح داده خواهد شد.

عملکرد مالی (FP)

بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) که در این پژوهش مشابه شاه و همکاران، ۲۰۱۱ و مهدوی و رضایی، (۱۳۹۱) بازده حقوق صاحبان سهام که از طریق تقسیم سود خالص بر حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری شد.

$$ROE = \frac{NI}{Equity}$$

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام

Equity: حقوق صاحبان سهام

NI: خالص سود

نسبت بازده دارایی‌ها (ROA): از دیگر معیارهای حسابداری است که میزان کارایی مدیریت را در به کار گرفتن منابع موجود جهت تحصیل سود نشان می‌دهد و یکی از نسبت‌های سودآوری است که در تجزیه و تحلیل آن منبع سود نه به صورت مطلق بلکه در ارتباط با منبع تحصیل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد (رمضانی، ۱۳۸۷). نسبت بازده دارایی‌ها از طریق رابطه زیر محاسبه شد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲).

$$ROA = \frac{NI}{Asset}$$

سود هر سهم^۱ (EPS): از جمله شاخص‌های سنتی و متداول سنجش عملکرد است که برای ارزشیابی قیمت سهام نیز کاربرد دارد و به صورت ریال بیان می‌گردد. این نسبت از تقسیم سود خالص سهامداران عادی بر تعداد سهام عادی به دست می‌آید. نتیجه نسبت نشان می‌دهد که به ازای یک سهم، چه میزان عایدی به دست آمده است و هر چقدر نتیجه نسبت بیشتر باشد، گویای عملکرد مطلوب شرکت است، از این نسبت برای ارزشیابی سهام نیز استفاده می‌شود که با توجه به قیمت بازاری سهام (قیمت معاملاتی سهم)، ارزش سهام در آینده نیز معلوم می‌گردد (معین‌الدین و همکاران، ۱۳۹۰).

سود هر سهم بدین صورت اندازه‌گیری شده است:

$$EPS = \frac{\text{سود سهم ممتاز} - \text{سود خالص}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام عادی}}$$

۳-۴-۳- متغیر تعدیلگر

شرکت‌هایی که هیات مدیره زن دارند عدد یک و شرکت‌هایی که هیات مدیره زن ندارند.

۳-۴-۵- نحوه گردآوری داده‌های پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده می‌شود. برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری به گونه عمده از مجلات تخصصی داخلی و خارجی، و برای گردآوری سایر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار تدبیرپرداز گردآوری شده است.

۳-۴-۶- جامعه آماری و نمونه آماری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شده و نمونه مطالعه به روش حذفی انتخاب خواهد شد:

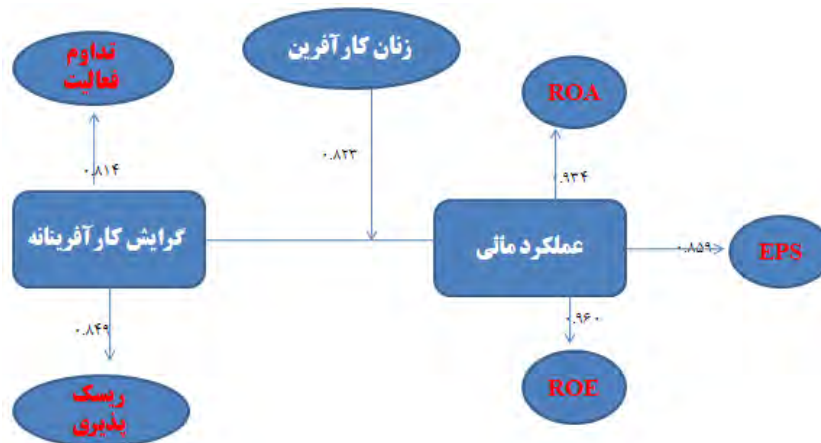
۱. تغییر سال مالی در شرکت، در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ رخ نداده باشد.
 ۲. اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
 ۳. تا پایان سال مالی ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 ۴. از آنجایی که برای محاسبه شاخص کیوتوین شرکت، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام باید محاسبه گردد، سهام شرکت در طول سه ماه آخر هر سال باید حداقل یک بار معامله شده باشد.
 ۵. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آن‌ها متفاوت است.
- با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۱۴۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ حائز شرایط بالا بوده و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۴-۷- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در این پژوهش از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مانند میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی و روش ضریب همبستگی پیرسون و استنباطی مانند تحلیل رگرسیون خطی چندگانه به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ استفاده خواهد شد. هم‌چنین، جهت تعیین برازش مدل مورد مطالعه از مدل‌بندی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای PLS و EQS بهره‌گیری به عمل خواهد آمد.

جدول شماره ۱: تحلیل مدل اندازه‌گیری

متغیر پنهان	متغیر مشاهده‌پذیر	بار عاملی استاندارد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
گرایش کارآفرینانه	تداوم فعالیت	۰.۸۱۴	۰.۷۹۶	۰.۸۲۵	۰.۶۱۴
	ریسک‌پذیری	۰.۸۴۹			
	نسبت بازده دارایی‌ها	۰.۹۳۴			
عملکرد مالی	بازده حقوق صاحبان سهام	۰.۹۶۰	۰.۹۰۷	۰.۹۴۲	۰.۸۴۴
	سود هر سهم	۰.۸۵۹			
زنان کارآفرین	زنان	۰.۸۲۳	۰.۸۳۳	۰.۸۹۶	۰.۷۴۱



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

در نمودار فوق مدل نهایی جهت بررسی و آزمون فرضیه‌ها (ضرایب استاندارد شده مسیر و سطح معنی‌داری) یکی از اساسی‌ترین معیارها معنی‌دار بودن ضرایب می‌باشد. برازش مدل ساختاری با استفاده از ضرایب t به این صورت است که این ضرایب باید از $1/96$ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان 95% معنادار بودن آن‌ها را تأیید ساخت. هم‌چنین با استفاده از مقدار احتمال نیز می‌توان در مورد معنی‌دار بودن ضرایب نتیجه‌گیری نمود. جدول زیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها را در قالب ضرایب مسیر همراه با سطح معنی‌داری و در ارتباط با فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد. از آنجایی که در این پژوهش سطح اطمینان $95/0$ در نظر گرفته شده است. لذا، برای آزمون فرضیات اگر معنی‌داری از $0/05$ کمتر باشد، مسیر و ضریب مسیر مورد نظر معنی‌دار بوده و فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد، در غیر این صورت فرضیه مربوط نیز رد می‌شود.

۴- یافته‌ها

۴-۱- آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش: زنان کارآفرین دارای نقش تعدیلگر بین گرایش کارآفرینانه به گونه‌ای مستقیم بر عملکرد مالی هستند.

جدول ۲: نتایج تحلیل حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه‌ها

مسیر مورد مطالعه در مدل	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره آزمون	مقدار احتمال	نتیجه
زنان کارآفرین ← گرایش کارآفرینانه ← عملکرد مالی	۰.۲۱۷	۰.۰۳۲	۶.۷۱۳	۰.۰۰۰	تأیید مسیر

باتوجه به نتایج جدول فوق چون مقدار احتمال آماره T مربوط به ضریب مسیر مستقیم متغیر گرایش کارآفرینانه به متغیر عملکرد مبتنی بر داده‌های حسابداری برابر 0.000 کوچکتر از 0.05 بوده و ضریب آن برابر 0.217 مثبت و معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت گرایش کارآفرینانه به گونه‌ای مستقیم بر عملکرد مبتنی بر داده‌های حسابداری تأثیر دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، فعالیت زنان در عرصه کارآفرینی در جوامع مدرن، تحولات زیادی در کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره به‌وجود آورده و به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کارآفرینی مدرن مورد توجه قرار گرفته است. زنان با داشتن دیدی خلاق و برخوردار از مهارت‌های بالا، به‌عنوان نان‌آور خانواده و عامل اصلی تربیت فرزندان، نقش بسیار مهمی در چرخه اقتصاد خانواده و جامعه دارند و در جامعه اسلامی، وجود و حضور آنها حتی در تمامی دستاوردهای پیشرفته امروزی مانند تجارت الکترونیک و فناوری اطلاعات نباید نادیده گرفته شود. بنابراین، کارآفرینی با ایجاد نوآوری در حرفه‌های پایدار و تأثیر روزافزون زنان شاغل بر عرصه اشتغال، نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند و جامعه را در مسیر کارآمدی تمام نیروهای انسانی و کشف استعدادها نهفته آنان یاری می‌رساند. در این راستا حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال و توانمند جامعه، با رشد و توسعه کشور در فرآیند توسعه جهانی تأثیر به‌سزایی دارد. یکی از راه‌های توسعه کارآفرینی زنان، طرح‌های کسب و کار کوچک و زود بازده است که از طریق حمایت‌های مسئولان دستگاه‌های اجرایی و تسهیل صدور مجوز و هم‌چنین تسریع در پرداخت وام‌های کم‌بهره از طریق بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری مجاز، به توانمندسازی زنان در خانواده و اجتماع کمک می‌کند. نتایج حاصل آزمون مدل‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که نقش زنان بر گرایش کارآفرینانه و شاخص‌های عملکرد مالی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. بدین معنا که با توجه به مطالب فوق وجود زنان در جامعه می‌تواند بر گسترش کارآفرینانه در بورس اوراق بهادار تهران کمک کند و در نهایت به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها منجر شود. نتایج پژوهش با پژوهش‌های رضایی و همکاران (۱۳۹۵)، فانیان (۱۳۹۶)، نمازی و مقیمی (۱۳۹۷)، جعفری‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، ثورن‌هیل^۱ (۲۰۰۶)، گنزالز، پرز، گوایسادو و گنزالز^۲ (۲۰۱۸)، گالبرید، لوسیانتی، توماس و تیش^۳ (۲۰۲۰)، مطابقت دارد.

۵-۱- پیشنهادات پژوهش

در مجموع برای توسعه کارآفرینی زنان در ایران، پیشنهاد می‌شود تأسیس مراکز حرفه‌ای و شغلی برای فعالیت‌های کارآفرینانه زنان، ارائه امکانات ویژه با نگرش جنسیتی برای بانوان، ارائه تسهیلات لازم برای دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی، اهمیت دادن به کارآفرینی زنان و مشارکت آنان در اقتصاد خرد کشور در هر سن و سال، ارائه برنامه‌های آموزشی و کمک آموزشی برای گسترش کارآفرینی آنان و حمایت قانونی از زنان و برنامه‌های مربوط به آنان با تأکید بر جنسیت مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی رابطه ریسک‌پذیری شرکت با ارزش شرکت، عملکرد بلندمدت، سطح افشای اطلاعات، پیش‌بینی‌های آینده‌نگر، سیاست‌های مالیاتی و محافظه‌کاری پرداخته شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطه بین ریسک‌پذیری شرکت با مالکیت خانوادگی، تمرکز مالکیت و افق سرمایه‌گذاری مالکان نهادی مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۲- محدودیت‌های پژوهش

در انجام این پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته که ممکن است بر نتایج و یافته‌های پژوهش تأثیرگذار باشد:

۱. بسیاری از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، به‌ویژه شرایط تورمی کشور و عدم تهیه صورت‌های مالی تعدیل‌شده بر یافته‌های پژوهش مؤثر است که کنترل آن‌ها از حیثه توان پژوهشگر خارج بوده است.

1 Thornhill

2 González, Pérez, Guisado & González.

3 Galbreath, Lucianetti, Thomas & Tisch

۲. نبود داده‌های مورد نیاز و قابل اتکا برای محاسبه متغیرهای پژوهش در مورد برخی از شرکت‌ها موجب حذف آن‌ها از نمونه آماری شد که این امر بر قابلیت تعمیم نتایج به جامعه آماری تأثیر می‌گذارد.

۶- منابع

- ۱- آراستی، ز. (۱۳۸۵). زنان کارآفرین ایرانی؛ ساختارهای فرهنگی اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کار. زن در توسعه و سیاست، ۴(۱-۲)، ۹۳-۱۱۹.
- ۲- بیابانی، س.، و منصور، گ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حضور مدیران زن در هیئت مدیره با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۲)، ۶۳-۷۴.
- ۳- پارسائیان علی، مدیریت مالی میانه، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۸۲.
- ۴- جعفری‌نیا، س.، نورعلی، م.، و رزم‌آور، ت. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر گرایش به کارآفرینی و قابلیت‌های پویا، بر عملکرد شرکت با نقش میانجی‌گری دوست‌توانی. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، ۲(۳): ۱۱۹-۱۴۲.
- ۵- درودی، ه.، و بابایی، ل. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فرآیندهای برنامه‌ریزی استراتژیک، انعطاف‌پذیری برنامه‌ریزی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش میانجی نوآوری، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت، روان‌شناسی، قم.
- ۶- رضایی، م. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان ارزش افزوده اقتصادی و بازده دارایی‌ها به‌عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. بورس، ۷۴، ۴-۱۱.
- ۷- سپهوند، رضا؛ شریعت‌نژاد، علی و عارف‌نژاد، محسن (۱۳۹۴). تأثیر فناوری اطلاعات بر سرمایه فکری و استراتژی‌های مدیریت دانش با اثر تعدیلی چابکی سازمان، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دوره ۵، شماره ۳، صص. ۷۱-۹۶.
- ۸- عبدی جمایران، ع.، حسینی، ا.، و روایی، س. (۱۳۹۶). بررسی مدل‌های تشخیص فرصت در فرآیند کارآفرینی. دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲(۳)، ۷۹-۸۸.
- ۹- فانیان، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اقتصادی و اجتماعی با عملکرد مالی با تأکید بر نقش نوآوری در شرکت‌های تولید مواد غذایی در اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد.
- ۱۰- کردتبار، ح.، و رسائیان، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه مدیریت سود مبتنی بر کل اقلام تعهدی اختیاری و برخی از ابزارهای نظام راهبری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲(۶)، ۵۰-۷۲.
- ۱۱- گلرد، پ. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش زنان، ۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
- ۱۲- مصلی، م.، و محمدپور زنجانی، م. (۱۳۹۷). تأثیر حضور هیئت مدیره و مدیر مالی خانم در سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۲(۲)، ۸۵-۹۹.
- ۱۳- ممیز، آ.، و قاسمی، س.، و قاسمی، س. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان. رشد فناوری، ۹(۳۵)، ۱۵-۲۲.
- ۱۴- نمازی، م. (۱۳۸۲). نقش پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی. جغرافیا و توسعه، ۱(۱)، ۶۳-۷۸.

15- Abad, D., Lucas-Pérez, M. E., Minguez-Vera, A., & Yagüe, J. (2017). Does gender diversity on corporate boards reduce information asymmetry in equity markets?. *BRQ Business Research Quarterly*, 20(3), 192-205.

- 16- Adams, R. B., & Ferreira, D. (2009). Women in the boardroom and their impact on governance and performance. *Journal of financial economics*, 94(2), 291-309.
- 17- Adler, P. S., & Chen, C. X. (2011). Combining creativity and control: Understanding individual motivation in large-scale collaborative creativity. *Accounting, organizations and society*, 36(2), 63-85.
- 18- Aghion, P., Bloom, N., Blundell, R., Griffith, R., & Howitt, P. (2005). Competition and innovation: an inverted-u relationship. *Quarterly Journal of Economics*, 120 (2), 701-728.
- 19- Brown, S. & Hillegiest, S.A. (2007). How Disclosure Quality Affects the Level of Information Asymmetry. *Review of Accounting Studies*, 12(1): 443- 477.
- 20- Carter, D. A., Simkins, B. J., & Simpson, W. G. (2003). Corporate governance, board diversity, and firm value. *Financial review*, 38(1), 33-53.
- 21- Galbreath, J., Lucianetti, L., Thomas, B., & Tisch, D. (2020). Entrepreneurial orientation and firm performance in Italian firms: The moderating role of competitive strategy. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.
- 22- Ganginis, H. V. (2008). *Planning for career and family: An instrument development study* (Doctoral dissertation, University of Maryland, College Park).
- 23- Gilbert, L. A., Hallett, M., & Eldridge, N. S. (1994). *Gender and dual-career families: Implications and applications for the career counseling of women*. Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- 24- González, B. J., Pérez, J. L. C., Guisado & M. González. (2018). The contribution of technological and non technological innovation to environmental performance. An analysis with a complementary approach. *Sustainability*, 10, 4014.
- 25- Kang, J., Kim, K., & Henderson, W. C. (2002). Economic Value Added (EVA): a financial performance measure. *Journal of Accounting and Finance Research*, 10(1), 48.
- 26- Lechman, E., & Kaur, H. (2015). Economic growth and female labor force participation—verifying the U-feminization hypothesis. New evidence for 162 countries over the period 1990-2012. *New evidence for*, 162, 1990-2012.
- 27- Ming, W. H., Ahmad, A., & Ismail, M. (2007). Antecedents of career aspirations among women in middle management. *Journal of Global Business Management*, 1, 240-248.
- 28- Minniti, M., & Naudé, W. (2010). What do we know about the patterns and determinants of female entrepreneurship across countries?. *The European Journal of Development Research*, 22(3), 277-293..
- 29- Özsungur, F. (2019, May). A research on women's entrepreneurship motivation: Sample of Adana Province. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 74, pp. 114-126). Pergamon.
- 30- Tansel, A., & Güngör, N. D. (2012). Gender effects of education on economic development in Turkey (IZA Discussion Paper No. 6532). Retrieved from [ftp. iza. org/dp6532. pdf](ftp.iza.org/dp6532.pdf).
- 31- Terjesen, S., Couto, E. B., & Francisco, P. M. (2016). Does the presence of independent and female directors impact firm performance? A multi-country study of board diversity. *Journal of Management & Governance*, 20(3), 447-483.
- 32- Thornhill, S. (2006). Knowledge, innovation & firm performance in high and low technology regimes. *Journal of Business Venturing*, 21(5), 687– 703.
- 33- Tsani, S., Paroussos, L., Fragiadakis, C., Charalambidis, I., & Capros, P. (2013). Female labour force participation and economic growth in the South Mediterranean countries. *Economics Letters*, 120(2), 323-328.

Investigating the Role of Women in the Relationship Between Entrepreneurial Tendencies of Companies and Financial Performance in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange.

Sayed Davoud Hoseini Rad¹, Mostafa Ghasemi^{2*}, Abdolreza Mohseni³

1. Phd. Student, Department of Accounting, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
da.d.hosseiniad@iaubushehr.ac.ir
2. Assistant Prof., Department of Accounting, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran
(Corresponding Author)
m.ghasemi@iaubushehr.ac.ir
3. Assistant Prof., Department of Accounting, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
Rmohseni@iaubushehr.ac.ir

Abstract:

In developing countries, women play a significant role in promoting families, also the growth and development of their countries. The success of women entrepreneurs in societies brings economic advantages and creates social and cultural benefits. Countries consider entrepreneurship due to three reasons; "wealth creation, technology development, and productive employment." However, in Iran, this concept is simply synonymous with "employment" by mistake, and we are moving towards entrepreneurship only to solve the employment problem. The present study investigates the role of women in the relationship between entrepreneurial tendencies of companies and financial performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. For this purpose, data related to 140 companies listed on the Tehran Stock Exchange between the years 2013 to 2020 were collected and examined by the method of the structural equation (PLS). Findings from the study show that women have a moderating role between the criteria of entrepreneurial orientation and performance indicators of the company. It means that the role of women will improve the relationship between entrepreneurial orientation and corporate financial performance.

Keywords: Entrepreneurial orientation, Financial Performance, Women's Entrepreneurs, Equity returns.



This Journal is an open access Journal Licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[\(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)